

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و ششم، تابستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۵-۲۲

آگاهی شیعه از امامان خود

مصطفی صادقی کاشانی^۱

چکیده

احادیث بسیاری در منابع حدیثی شیعه امامیه وجود دارد که در آنها نام کامل امامان از زبان پیامبر ﷺ معرفی شده است. این اخبار از قول صحابه و تابعان و خود امامان دوازده گانه به طور مستقیم یا از قول رسول خدا ﷺ نقل شده است. از سوی دیگر گزارش های تاریخی بسیاری وجود دارد که نشان می دهد نه تنها مسلمانان بلکه اغلب شیعیان از نام و نسب امامان خود آگاهی نداشته اند. این ناآگاهی در انشعاب فرق شیعی و ایجاد فرقه های منتسب به ائمه یا فرزندان ایشان بروز کرده و چنین القا می کند که اگر شیعیان از آن اخبار دوازده امام و نام و نسب کامل ایشان خبر داشتند، این رویدادها و انشعاب ها رخ نمی داد. پرسش اصلی این مقاله آن است که بی اطلاعی یا کم اطلاعی شیعیان از نام و نسب امامان خود به رغم وجود آن اخبار در منابع حدیثی مشهور امامیه، چگونه توجیه خواهد شد؟ مقاله پیش رو درصدد بررسی و حل این تعارض است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که اولاً تعداد روایات مشتمل بر نام کامل ائمه به اندازه ای نیست که در برخی کتاب ها شهرت یافته است و ثانیاً به نظر می رسد پس از دوره غیبت کبری که تعداد امامان برای شیعه روشن و قطعی شده، نقل های بعدی نیز به تناسب آن تکمیل شده است.

کلیدواژه ها: دوازده امام، شیعیان، اخبار نص، فرقه های شیعی.

۱. دانشیار گروه سیره اهل بیت (علیهم السلام)، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. Sadeqi48@isca.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۴/۰۷ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۷/۰۷

Shī'ite awareness of their imams

Mostafa Sadeghi¹

Abstract

There are many Ḥadīths in Imamiyeh Shī'a Ḥadīth sources in which the full names of imams are introduced by the Prophet (PBUH). These have been directly narrated from the sayings of the Companions (ṣaḥāba), followers, and the twelve imams themselves or from the sayings of the Prophet (PBUH). On the other hand, many historical reports show that not only Muslims but also most Shī'ites were not aware of the names and lineage of their imams. This ignorance has manifested itself in the division of the Shī'ite sect and the creation of sects attributed to imams or their children and it implies that if the Shī'ites knew about the news of the twelve Imams and their complete names and lineage, these divisions would not have occurred. The main question of this article is how the ignorance or lack of knowledge of the Shī'ites about the name and lineage of their imams will be justified despite the existence of that news in the famous Ḥadīth sources of the Imamiyeh. This study seeks to investigate and resolve this conflict. Findings indicate that the number of Ḥadīths with imams' full names is not as much as it is known in some books and it seems that after the period of occultation, when the number of imams for Shī'a was determined the subsequent narrations were completed accordingly.

Keywords: Twelve imams, Shī'a, Text on the imam (Nass), Shī'ite Cults.

1. Associate Professor, Department of Sira of Ahl-e-Bait, Islamic Sciences and culture academy, Qom, Iran. Sadeqi48@isca.ac.ir

درآمد

منابع حدیثی شیعه امامیه روایاتی درباره معرفی امامان نقل کرده‌اند که بخشی از آنها مشتمل بر نام و نسب کامل ائمه است و اسامی دوازده جانشین رسول‌خدا را از زبان ایشان و به نقل از صحابه یا تابعین بیان می‌کند. بیشتر این اخبار را می‌توان در کتاب *کفایه* الاثر مشاهده کرد. بنا بر این احادیث، انتظار می‌رود شیعیان بلکه اغلب مسلمانان نام این جانشینان پیامبر ﷺ را شنیده باشند یا دست‌کم راویان فراوانی که در سلسله اسناد این روایات وجود دارند، از نام و نسب ائمه شیعه آگاهی داشته باشند. اما تاریخ اسلام و تشیع حاکی از آن است که بسیاری از این راویان به جانشینان معرفی شده از سوی پیامبر ﷺ معتقد نبودند یا شیعیانی که در عصر ائمه حضور داشتند، از این امامان اطلاع نداشتند. روایات نصّ بر ائمه نیز بیشتر بر جانشین امام بعدی تأکید دارد و سیره ایشان بر معرفی تمامی امامان بعدی خود نبوده‌است.

اکنون پرسش این است که تعارض میان آن روایات با این گزارش‌های تاریخی چگونه حل می‌شود؟ اگر آن همه روایت از سوی راویان موافق و مخالف مذهب امامیه، درباره نام دوازده امام رسیده و اطلاع از نام و نسب جانشینان رسول‌خدا همگانی و رایج بوده‌است، چرا در تاریخ تشیع آن همه انشعاب یا حتی سرپیچی برخی فرزندان خود ائمه روی داده است؟ از مطالعه تاریخ اسلام معلوم می‌شود که حتی صحابه‌ای که نام آنان در منابعی چون *کفایه* الاثر آمده و روایات نام دوازده امام را از رسول‌خدا نقل کرده‌اند، خود به این اخبار عمل نکرده و به این امامان معتقد نبوده‌اند.

این نوشتار پس از مروری بر اخبار معرفی تعداد دوازده امام و منابع و اسناد آنها، به بررسی روایاتی که نام کامل ایشان را بیان کرده و آنگاه اوضاع شیعیان از نظر انشعاب و چگونگی معرفی هر امام در عصر حضور می‌پردازد و در پایان احتمال می‌دهد که موضوع نسخه‌ها و کاتبان علت اصلی این تعارض بوده‌است.

پیشینه پژوهش

درباره مسئله مدّ نظر این نوشتار، مقاله‌ای از روح‌الله کاظمی (۱۳۹۳ش) وجود دارد

که برگرفته از پایان‌نامه وی در مرکز تخصصی امامت حوزه علمیه قم است. این مقاله با عنوان «تحیر شیعیان در شناخت امام و نقش تقیه در آن»، همانگونه که از نامش پیداست درصدد حل مسئله با موضوع تقیه است. نوشتار حاضر تا حدود زیادی با نویسنده آن مقاله همراه است که بخش عمده بی‌اطلاعی شیعیان از ائمه را به دلیل فضای اختناق و تقیه می‌داند. این مقاله همچنین درصدد پاسخ به ادعای جعل روایات ۱۲ امام است. این ادعا از سوی افرادی چون کلبرگ (۱۳۷۴ش) در مقاله «از امامیه تا اثنا عشریه» و فیصل نور (۱۴۲۵ق) در کتاب *الامامه و النص به صورت تلویحی یا مصرح* طرح شده است. از این‌رو الویری (۱۳۷۴ش) در مقاله «نقد نظریه‌ای در پیدایش شیعه اثنی عشری» و رسالتی و رضا نژاد (۱۳۹۴ش) در مقاله «نقدی بر شبهات فیصل نور درباره نصوص امامت امام هادی (ع)» به بخشی از مطالب آن دو پاسخ داده‌اند. در مجموع بحث از نص بر ائمه چه نص کلی و چه معرفی اعیان ایشان، به دلیل اهمیتی که دارد، در آثار متعددی قابل پیگیری است؛ اما اغلب آن نوشته‌ها با رویکرد کلامی و حدیثی تدوین شده و نوشته پیش‌رو تلاش می‌کند با بررسی سیر تطور بحث و رویکردی تاریخی به موضوع بپردازد.

مبنای این نوشتار و به عبارتی پیش‌فرض آن، وجود روایاتی است که منابع حدیثی شیعه و سنی درباره اصل دوازده جانشین رسول خدا ذکر کرده‌اند (نک. زینلی، سراسر کتاب). همچنین اصل وجود روایاتی درباره تعیین و معرفی اعیان ائمه قابل انکار نیست (ادامه نوشتار). سخن در آگاهی عموم شیعیان بلکه مسلمانان از این نام‌ها و برخی روایاتی است که مخالفان مذهب شیعه نقل کرده‌اند و چنین نشان می‌دهد که مسئله در میان مسلمانان شهرت داشته است. از این‌رو تصور می‌شود اعتقاد و اطلاع از نام تک تک دوازده امام از ابتدا و قبل از رسیدن به دوره هر امام جزو اصول کلامی شیعه است؛ در حالی که «شواهد به روشنی بیانگر آن است که در عصر حضور، بر امامی مذهبان، اعتقاد به امام وقت و امامان پیشین لازم بود و شناخت امام یا امامان بعدی و اینکه آنان دوازده تن‌اند ضرورتی نداشت» (منتظری مقدم، ۸۸).

تعداد ۱۲ امام

در آغاز بحث لازم است به بررسی اجمالی روایات تعداد دوازده امام پرداخته شود چون این بحث پایه و مبنای مطالب بعدی است. منابع سنی و شیعه از رسول خدا نقل کرده‌اند که فرمود: پس از من دوازده جانشین وجود خواهد داشت که همه از قریش خواهند بود. این حدیث که به اثناعشر شهرت دارد، نزد فریقین پذیرفته شده و در منابع مختلف حدیثی و تاریخی آنان آمده است. قدیم‌ترین کسی که این حدیث را ثبت کرده و کتاب او در دست است، ابوداود طرابلسی (متوفای ۲۰۴) است که از جابر بن سمره چنین نقل می‌کند: پیامبر ﷺ در خطبه‌ای فرمود، اسلام تا زمان دوازده جانشین (من) عزیز خواهد بود. سپس کلمه‌ای فرمود که متوجه نشدم. از پدرم پرسیدم که رسول الله چه گفت، پدرم این را افزود که: کُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ (طرابلسی، ۱/۴۱۵). بخاری (متوفای ۲۵۶؛ ۱۲۷/۸) نیز این حدیث را نقل کرده است.

قدیم‌ترین مصدر شیعی که شمار ائمه را بیان می‌کند، کتاب سلیم بن قیس (هلالی، ۲/۶۲۷، ۶۸۶) و پس از آن *بصائر الدرجات* (متوفای ۲۹۰) است که تعبیر ۱۲ محدث دارد (صفار، ۳۱۹-۳۲۰). کلینی (متوفای ۳۲۹؛ ۱/۵۲۶ به بعد) هم بیست روایت در باب ما جاء فی الاثنی عشر از کتاب کافی ذکر می‌کند. در *کفایه الاثر* نوشته خزاز (قرن ۴) ده‌ها روایت در این باره آمده و در دوره‌های بعدی، بحرانی (متوفای ۱۱۰۷) در کتاب *الانصاف* این احادیث را جمع‌آوری کرده و به ۳۶۰ رسانده است.

احادیث نام ائمه

احادیثی که نام ائمه در آن آمده، چند دسته است. در برخی از آنها فقط نام علی علیه السلام و دو فرزندش، در برخی فقط نام امام حسین علیه السلام و اشاره به ۹ نفر از نسل او بدون ذکر نام آنان، دسته سوم روایاتی که نام چند نفر از امامان را برده و در دسته چهارم نام کامل دوازده امام ذکر شده است.

بیشترین روایات از دسته دوم است که با یاد کردن از سومین امام به تعداد نه نفر از نسل او (بدون ذکر نام) اشاره می‌کند، در پایان از مهدی نام می‌برد و او را نهمین نفر از نسل امام سوم می‌داند. از جمله در کتاب سلیم دو روایت از رسول خدا نقل شده که از

اهل بیت من ۱۲ امام هدایت هستند: علی و حسنین و نه نفر از نسل حسین علیه السلام (هلالی، ۶۸۶/۲، ۹۰۷). از عبدالله بن عباس نقل شده که رسول خدا فرمود: خداوند من و علی و دو فرزندش را حجت‌هایی بر بندگان قرار داده و از صلب حسین علیه السلام امامانی قرار داده که نهمین آنان قائم است (صدوق، کمال الدین، ۲۵۷/۱). خزّاز اخبار بسیاری از صحابه مانند ابن مسعود، ابوسعید خُدری و زید بن ثابت نقل کرده که رسول خدا فرمود: پیشوایان پس از من دوازده نفر از نسل حسین علیه السلام خواهند بود و نهمین آنها قائم است. این مضمون در بیش از ۳۰ حدیث نبوی به نقل از صحابه در این کتاب آمده است (برای نمونه نک. خزّاز، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۹۰، ۳۲۷).

نمونه دسته سوم روایت ابوخالد کابلی است که از امام سجاد علیه السلام درباره ائمه پرسید. آن حضرت تا پدرش را نام برد و فرمود پس از آن امامت به من رسیده و دیگر چیزی نگفت. ابوخالد گفت از امیرمؤمنان روایت شده که زمین از حجت خالی نیست. حجت پس از شما کیست؟ فرمود فرزندان محمد و سپس فرزندش جعفر. در ادامه روایت سخن از وجه تسمیه صادق و داستان جعفر کذاب و غیبت امام دوازدهم پیش آمده و نام ائمه بعدی برده نشده است (صدوق، کمال الدین، ۳۱۹/۱). همچنین یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید او در عرّفه با صدای بلند گفت رسول خدا امام بود و پس از او علی و حسنین و علی بن الحسین و محمد بن علی است و آنگاه به خود اشاره کرد (کلینی، ۴۶۶/۴).

اخبار این دسته حتی از سوی محدثان اهل سنت مانند ابن سعد (۲۴۹/۵) نقل شده که به عمر بن علی بن الحسین علیه السلام گفتند: شما وجوب اطاعت را برای علی، حسنین، علی بن الحسین و محمد بن علی علیه السلام قائل هستید و معتقدید به آنها وصیت شده و کسی که آنها را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است. یعنی غیر شیعیان نیز از اعتقاد آنان درباره امامان خود تا امام حاضر اطلاع داشتند.

بحث اصلی این نوشتار، درباره روایات دسته چهارم است که نام کامل ائمه را در بر می‌گیرد. آثار تدوین شده پس از غیبت کبرا نام دوازده امام را به فراوانی ذکر می‌کند و غالب این اخبار در کتاب کفایه الاثر آمده است. از حدود یکصد روایت که ائمه،

جانشینان خود را معرفی کرده‌اند، نام دوازده امام در ۲۲ روایت آمده است. در کتاب‌هایی مانند کافی، اخبار مشتمل بر نام کامل ائمه بسیار کم است. جستجو در کتاب کفایه و دیگر آثار حدیثی شیعه این نتیجه را به همراه دارد که حدود ۵۰ روایت نام کامل دوازده امام را ذکر کرده‌اند. مهم‌ترین این اخبار، حدیث لوح و حدیث معراج است. در حدیث لوح از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌شود که او لوحی را در دست حضرت زهرا علیها السلام دیده که نام دوازده امام در آن نوشته بوده است (کلینی، ۵۲۷/۱. صدوق، عیون، ۴۶/۱). بنا به حدیث معراج که بیشترین اخبار دوازده امام را پوشش می‌دهد، رسول‌خدا وقتی به معراج رفت، نام دوازده امام را بر عرش خدا نوشته دید (خزاز، ۲۳۵، ۲۹۶، ۳۱۶). هر دو حدیث به عبارات گوناگونی نقل و ضبط شده‌اند.

سند و متن روایات نام دوازده امام

بسیاری از راویان اخبار مشتمل بر نام دوازده امام به‌خصوص آنچه از رسول‌خدا رسیده، عامی مذهب یا ناشناخته‌اند. هدف محدثان شیعه این بوده که بر اعتراف مخالفان مذهب در این موضوع که اهمیت بیشتری از بیان خودی‌ها دارد، تأکید کنند. در سلسله اسناد هر کدام از این روایات، راویان متعددی گاه تا ده نفر وجود دارند که چند نفر از آنها مربوط به دوره حضور هستند. نام شیعیان مشهوری چون ابن‌ابی‌عمیر، ابوبصیر، هشام بن سالم، معاویه بن وهب، فضل بن شاذان و ابوهاشم جعفری نیز در این روایات هست که از این میان، نام هشام بن سالم و ابوبصیر در روایات دیگری با مضمون عدم اطلاع از نام ائمه وجود دارد (مانند صفار، ۲۵۱، ۲۵۲؛ کلینی، ۲۷۷/۱، ۲۹۱، ۳۵۱).

اما از نظر متن، روایاتی که نام کامل ائمه را در بر می‌گیرد، بر چند گونه است: ۱- شماری از آنها فقط به نام چند علی و چند محمد و نام بقیه ائمه اشاره دارد و از نسب کامل آنها پرده بر نمی‌دارد (برای نمونه نک. خزاز، ۲۹۶). ۲- فقط نام امام بدون نام پدر و نسب او آمده است (خزاز، ۴۰۰). ۳- نام هر امام و نام پدرش آمده و توضیح دیگری ندارد. ۴- نام و نسب هر امام به طور کامل آمده است. ۵- افزون‌بر نام و نسب کامل،

القاب و اوصافی برای هر امام ذکر شده‌است.

بیشتر اخبار مشتمل بر نام، مرکب از دو قسمت است. در قسمت نخست اصل دوازده نفر بودن ائمه از رسول خدا نقل می‌شود و در ادامه برخی از آنها فقط به امیرمؤمنان و حسنین اشاره می‌شود. اما در قسمت دوم با پرسش راوی یا صحابی یا شخصی که حاضر بوده، ادامه نام ائمه ذکر می‌شود.

برخی مطالب این احادیث قابل تأمل و بررسی است زیرا با معارف امامیه هماهنگی ندارد. مثلاً در حدیثی آمده است که اینها دوازده امامند و پس از آنها دوازده مهدی می‌آیند. وقتی اولین مهدی از دنیا می‌رود امامت را به فرزندش تسلیم می‌کند که سه نام دارد همانند نام من و پدرم: عبدالله و احمد و نام سوم مهدی است (طوسی، الغیبه، ۱۵۰). یا حدیث مشهور خضر محل بحث میان محدثان و محققان است. کراجکی آن را مشهور میان شیعه و صحت آن را اجماعی می‌داند چنانکه می‌گوید خبر لوح نزد شیعه امامیه اجماعی است و اختلافی در آن ندارند (کراجکی، ۳۱).

در یک نقل از حدیث مشهور لوح، امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله می‌خواهد نسخه حدیث لوح را پیش آن حضرت بیاورد تا امام نسخه خود را با آن مقابله کند. در روایت دوم امام باقر علیه السلام هنگام وفات، فرزندش را می‌خواهد تا امامت را به او بسپارد. اما برادرش زید درخواست امامت می‌کند. امام، جابر را می‌خواند تا حدیث لوح و دوازده امام را برای زید شرح دهد (صدوق، کمال الدین، ۳۰۵/۱). در این روایت نام مادران ائمه هم به تفصیل ذکر شده‌است.

مقایسه منابع روایی با متون تاریخ

از منابع روایی به‌خصوص کتاب کفایه الاثر و احادیث نام دوازده امام برمی‌آید که نه تنها شیعیان که بسیاری از مسلمانان نام و نسب دوازده امام را می‌دانسته‌اند و روایانی با گرایش‌های مختلف از آن خبر داده‌اند. این راویان که در سلسله سند قرار داشته و در کنار ائمه بوده‌اند، باید نخستین افرادی باشند که از نام آنان آگاهی داشته‌اند. از سوی دیگر در اخبار مربوط به نص بر ائمه، حتی یاران نزدیک درباره امام بعدی از ایشان

سؤال می‌کنند و انشعاب‌ها و اختلاف‌ها درباره امامت پس از هر امام نشان می‌دهد که گویای تعارض این اخبار با روایات تاریخی است. با شمارش راویان احادیثی که نام ۱۲ امام در آن آمده، به نام بیش از یکصد راوی برخورد می‌کنیم که در سلسله اسناد آنها قرار دارند. آن راویان حتماً از نام کامل ائمه خبر داشته‌اند و بیشترین آنها شیعیان هستند. پس با وجود چنین شماری از اصحاب و راویان ائمه که از نام آنان آگاه بوده‌اند، چرا این مطلب در میان شیعه مشهور نبود؟

اگر چه اصل وجود دوازده جانشین برای رسول‌خدا نزد مسلمانان مفهوم بوده و حدیث آن مورد اتفاق است، اما شیعیان معتقد به ائمه و امامت ایشان در عصر حضور از تک تک نام آنان آگاه نبودند. شواهد و قرائن بسیاری برای این بی‌اطلاعی وجود دارد که در ادامه می‌آید:

نخست، روایات نص بر امام بعدی

بخشی از روایات ابواب نص کتاب کافی و کتاب‌های تاریخ ائمه به پرسش و پاسخ درباره جانشین هر امام اختصاص دارد. البته اخبار تعیین جانشین، مربوط به امام کاظم علیه السلام و ائمه بعدی است. مثلاً منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام می‌پرسد اگر اتفاقی برای شما بیفتد به چه کسی مراجعه کنیم؟ آن حضرت بر شانه فرزندش موسی زده و می‌فرماید: این صاحب شماس است (کلینی، ۳۰۹/۱) شبیه این سؤال از امام هشتم شد و آن حضرت فرزندش ابوجعفر را معرفی کرد (همان، ۳۲۲/۱).

از روایات بسیاری استفاده می‌شود که ائمه برای معرفی خود یا جانشین خود با مشکلاتی روبه‌رو بوده و تمایلی به معرفی خود یا جانشینان خود به عنوان امام نداشته‌اند. فیض بن مختار در گفتگویی با امام صادق علیه السلام از ذهنیت شیعیان درباره جانشینی اسماعیل گفت و آنگاه که متوجه شد او امام بعدی نیست، پرسید اگر اتفاقی بیفتد چه کنیم؟ امام ابتدا طفره رفت و سپس به اصرار فیض، فرزندش ابوالحسن را معرفی کرد (طوسی، اختیار معرفه الرجال، ۳۵۴).

پرسش از ائمه به شکل‌های دیگری هم بود مانند اینکه درباره راه‌های شناخت امام

سؤال می‌کردند یا می‌پرسیدند آیا امامت در عمو و دایی هم امکان دارد؟ یا فرزندان عباس یا فرزندان جعفر هم در این موضوع سهمی دارند؟ (کلینی، ۲۸۴/۱ به بعد) این پرسش‌ها نشانگر آن است که نام کامل ائمه برای شیعیان روشن نبود. وقتی ابن‌ابی‌عفور عقاید خود را به امام صادق علیه السلام عرضه کرد و گفت تو امام زمان من هستی، امام به او فرمود نام مرا برای کسی فاش نکن (عیاشی، ۳۲۷/۱).

هشام بن سالم از امام کاظم علیه السلام پرسید جانشین پدرت کیست؟ آن حضرت فرمود اگر خدا بخواهد شما را هدایت خواهد کرد. بار دیگر پرسید آیا شما امام ما هستید؟ باز هم امام پاسخ روشنی به او نداد و هشام از راه‌های دیگری به امامت آن حضرت پی برد. امام از او خواست این مطلب را افشا نکند زیرا موجب قتل آنان خواهد شد (کلینی، ۳۵۲/۱، مفید، ۲۲۱/۲). بر همین اساس، صدوق کمال‌الدین، ۷۵/۱ گفته است که زراره در کوفه از امامت موسی بن جعفر علیه السلام اطلاع داشت و فرزندش را به مدینه فرستاد تا از آن حضرت بپرسد آیا اجازه دارد امامتش را اعلام کند یا باید تقيه نماید.

بخشی از اخبار نصّ بر ائمه با اشاره و کنایه امام قبلی و بدون نام بردن از جانشین خود است. صفوان جمال از امام ششم درباره امام بعدی پرسید. فرمود او اهل لهُو و لعب نیست. سپس فرزندش موسی که کودک بود وارد شد. امام او را بغل کرد و فرمود جانم به فدای کسی که اهل لهُو و لعب نیست (کلینی، ۳۱۱/۱).

یکی از روش‌های شیعیان معتقد به اهل‌بیت عرضه عقاید خود به امام زمان بود. او یکایک امامان و جانشینان رسول‌خدا را تا امام حاضر نام می‌برد و توقف می‌کرد. خبر مشهور در این باره مربوط به عبدالعظیم حسنی است که تا نهمین امام را نام برد و به امام هادی علیه السلام گفت پس از آنها تو هستی (خزاز، ۵۸۶). پیش از آن نیز این موارد اتفاق افتاده و مثلاً در زمان امام باقر علیه السلام، اسماعیل بن جابر به آن حضرت گفت علی علیه السلام، امام مفترض الطاعه است. آنگاه از سه امام بعدی نام برد و گفت اکنون امر به شما رسیده است. امام او را دعا کرد و فرمود دین خدا و ملائک همین است (کلینی، ۱۸۸/۱).

دوم، انشعاب‌ها در شیعه

این مطلب از مسلمات تاریخی است که شیعیان در دوره‌های مختلف به انشعاب‌هایی دچار شدند و از این رو فرقه‌هایی به نام تشیع و پیروی از امامان یا فرزندان ایشان در کتاب‌های ملل و نحل ثبت شده‌است. این انشعابات نشان می‌دهد یاران ائمه از نام و مشخصات دوازده امام خبر نداشتند که پیوسته بعد از هر امام به این سو و آن سو گرائیدند. البته بخشی از این انشعاب‌ها ساخته افراد سودجو یا حکومت‌های وقت بود اما بخش قابل توجهی از آنها به دلیل نشناختن ائمه به وجود آمد.

ادعاها درباره محمد حنفیه پس از واقعه عاشورا نخستین انشعاب است (نوبختی، ۲۳، ۲۶؛ اشعری، ۲۱، ۲۵-۲۷). این اختلاف‌ها درباره جانشین امام صادق علیه السلام به اوج خود رسید و شیعیان شش گروه شدند (نوبختی، ۶۶-۷۸؛ مفید و مرتضی، ۳۰۵). انشعاب مهم پس از امام کاظم علیه السلام ایجاد فرقه واقفه بود و اختلاف پس از امام هشتم ادامه یافت (اشعری، ۶۳-۶۴؛ نوبختی، ۸۵). ادعاهایی درباره محمد و جعفر فرزندان امام هادی علیه السلام نیز در منابع وجود دارد (مفید و مرتضی، ۳۱۷). انشعاب پس از امام یازدهم تا ۱۴ گروه ذکر شده‌است (نوبختی، ۹۶؛ مفید و مرتضی، ۳۱۸).

تردیدی نیست که بسیاری از این ادعاها از سوی فرزندان ائمه نبود ولی این تردید هست که گویا همه این فرزندان از نصوص امامت و تعداد امامان آگاه نبوده باشند. برخی معتقدند آنان اطلاع داشتند ولی منحرف شدند (سجادی‌طلب، سراسر مقاله). شاهد دیگر سکوت عالمان از استدلال بر روایات نصّ بر نام است. متکلمان امامیه در ردّ فرقه‌های منحرف شیعی به مشخص بودن نام ائمه و روایات نصّ اشاره‌ای ندارند. مثلاً شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* درباره باطل بودن فرقه‌های کیسانیه، ناووسیه، واقفه و محمدیه (معتقدان به محمد فرزند امام دهم) بحث کرده و دلایلی بر نادرستی سخن آنان آورده اما به روایاتی که مشتمل بر نام ۱۲ امام باشد، استناد نمی‌کند. سید مرتضی از قول استادش شیخ مفید در *فصول المختاره* همین راه را رفته و به تفصیل در ردّ کیسانیه، ناووسیه، اسماعیلیه، فطحیه و دیگر فرقه‌ها سخن گفته اما روایات نام ۱۲ امام

را ذکر نکرده است (مفید و مرتضی، ۲۹۶-۳۱۶).

بخشی از انشعاب‌های شیعی به دلیل ادعاهای امامت افرادی از خاندان اهل‌بیت یا ادعاهای دیگران درباره ایشان است. مهدی دانستن برخی ائمه یا پرسش از آنان درباره اینکه آیا شما مهدی و قائم هستید (کلینی، ۳۴۱/۱؛ نعمانی، ۲۱۵؛ طبرسی، ۲۳۹/۲)؛ همچنین دوره حیرت و بی‌اطلاعی شیعیان امامیه از آخرین امام خود، نشانگر آن است که آنان نام دوازده امام را نمی‌دانستند.

عامل تعارض

بنا به آنچه گفته شد ده‌ها روایت در کتاب *کفایة الاثر* و دیگر منابع حدیثی وجود دارد که نام کامل دوازده امام را از زبان رسول‌خدا یا یکی از امامان ذکر می‌کند. اما این مطلب در تاریخ تشیع و ائمه نمودی نیافته و طبق روایات نصوص ائمه، ایشان به ندرت از جانشینان پیامبر ﷺ یا خودشان نام برده‌اند. با توجه به اوضاع و شرایط زمان و محدودیت‌های سیاسی و امنیتی، امامان فقط نام امام بعدی را ذکر کرده و اینگونه یاران و شیعیان خود را هدایت کرده‌اند.

علت این تعارض می‌تواند سرّی بودن نام ائمه در میان خود ایشان باشد (کاظمی، ۱۳۰). آنها بنا نداشتند این راز پنهان را برای همگان بر ملا کنند. نقدی که ممکن است بر این مطلب وارد شود آن است که اگر سرّی در کار بوده، برای همگان بوده در حالی که گاهی نزدیک‌ترین یاران ائمه از جانشین ایشان خبر نداشتند؛ اما از طرفی آن همه راویان ناشناخته و حتی گاه مخالفان و دشمنان اهل‌بیت، روایات مشتمل بر نام ۱۲ امام را نقل کردند؟

از علل دیگر این تعارض ممکن است جعل و تحریف اخبار از یک سو و حذف و سانسور از سوی دیگر باشد. اختلافات فرقه‌ای میان مسلمانان سبب شد در طول تاریخ بخشی از روایات از سوی محدثان دستخوش تحریف یا حذف شود. مثلاً ابن‌ابی‌الحدید (۶۸/۴-۶۹) درباره امیرمؤمنان عبارت «اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» را از ابوهریره از رسول‌خدا نقل می‌کند و می‌گوید این مطلب ذیل شرح حال ابوهریره از کتاب *المعارف*

ابن قتیبه آمده است. اما در چاپ‌های فعلی این کتاب نیست (نک. ابن قتیبه، ۲۷۷). امینی (۴۰۸/۱) هم این مطلب را در چاپ کتاب *المعارف* در زمان خود نیافته و می‌گوید دست تحریف آن را حذف کرده است. نمونه‌های دیگری از حذف درباره حوادث رخ داده برای حضرت زهرا علیها السلام از کتاب‌های گذشتگان قابل پیگیری است (نک. عاملی، ۳۱۲/۱). احادیث ۱۲ امام نیز ممکن است دچار چنین سرنوشتی شده باشد.

گاهی هم حذف به دلیل شرایط خاص شیعیان و تقیه سیاسی بوده و راویان شیعه نام ائمه را از روایات حذف کرده‌اند تا دشمنان از آن آگاه نشوند (قندهاری، ۱۱). گونه‌ای از این حذف با جایگزینی واژه «فلان» و دیگر تعبیر کنایی مانند «یکی پس از دیگری» یا «تا آخر» به جای نام ائمه است (قمی، ۱۲۸/۱؛ صدوق، *کمال الدین*، ۲۸۵/۱).

احتمال دیگری بر خلاف حذف و سانسور می‌توان تصور کرد و آن افزودن نام ائمه در دوره‌های بعدی است. زیرا دانش حدیث و تاریخ متکی و وابسته به منابعی است که از سده‌های نخست به دست ما رسیده است. در جمع‌آوری این منابع و تدوین احادیث و روایات تاریخی نه تنها راویان و محدثان بلکه کاتبان و نسخه‌پردازان نقش داشته و در ثبت و ضبط این آثار و انتقال آن به دوره‌های بعدی تلاش کرده‌اند. اما این موضوع گاه مشکلاتی را برای نسخ خطی به وجود آورده و دخالت‌ها و تصرفاتی را به همراه داشته که اغلب سهوی و از روی خطا بوده‌است. این تصرفات گاهی نیز عمدی و متأثر از انگیزه‌ها و عوامل ایدئولوژیک بوده که در یکی از شکل‌های چهارگانه تکمیل، تغییر، تلخیص و خلق اثر جدید قابل بررسی است (ایزدی و شجاعی، ۱۲۸). مثلاً نسخه خطی به شخص تعلق داشته و افزوده‌های توضیحی و تفسیری مالک بعدها از حاشیه به متن راه می‌یافت، یا در متن زیاده و نقصان یا تغییری از سوی مؤلف یا راوی یا ناسخ ایجاد می‌شد.

از اینها مهم‌تر، تصرفات ناشی از گرایش‌های فرقه‌ای و حب و بغض‌های مذهبی است که گونه‌ای از آن در قالب تغییر نام افراد یا حذف و تبدیل اوصاف بزرگان یک فرقه رخ داده است (هروی، ۲۴۵). مانند آنچه از سوی مخالفان شیعه در کتاب *مکارم الاخلاق* طبرسی ایجاد شده و نام صحابه را پس از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم افزوده‌اند

(نک. امین، ۲۲۴/۵، ۲۲۵). عامل دیگر این تصرفات راه یافته به متن، توضیحات راوی یا مؤلف است مانند افزوده‌ای بر حدیث فضیلت روز جمعه که مجلسی (۳۷۰/۵۵) احتمال داده از سوی راوی یا از شیخ صدوق است. چنانکه در مورد دیگری مجلسی احتمال داده، تصرفی از سوی آن محدث کهن با هدف تطبیق روایت با کلام شیعه روی داده است.

شیخ صدوق (التوحید، ۳۵۴) روایتی را از کلینی نقل کرده که در کتاب کافی با تفاوت و تغییراتی وجود دارد (کلینی، ۱۵۳/۱). مجلسی (۱۵۶/۵) پس از نقل روایت از کتاب صدوق می‌نویسد: این خبر از کافی گرفته شده ولی تغییرات شگفتی در آن هست که انسان را به شیخ صدوق بدگمان می‌کند چون او خواسته است روایت را بر مذهب اهل عدل [امامیه] مطابق گرداند. مصحح بحار در پاورقی این مسئله را توجیه کرده و علت را افتادگی یک سطر از روایت در نسخه مجلسی می‌داند. خوئی (۳۴۸/۱۷) ذیل شرح حال صدوق با اشاره به همراهی کاظمی (۲۱۳) و پس از او نوری (۱۷۰/۱۱) با مجلسی، به دفاع از صدوق برخاسته و می‌گوید: جلالت صدوق مانع چنین مطلبی است و حتما افتادگی یا امر دیگری از سوی راوی سبب چنین تغییری شده است. یکی از نویسندگان معاصر در خصوص نظر مرحوم خوئی معتقد است «اگر تنها همین یک حدیث بود، کلام ایشان احتمال صحت داشت؛ در حالی که وجود چندین نمونه برای آن، این احتمالات را نفی می‌کند». آنگاه سه نمونه را ذکر کرده و می‌نویسد: «نمونه‌های ذکر شده از حدّ نقل به معنا فراتر رفته و در واقع دخل و تصرف غیر مجاز در روایات است. اعتقاد به جبر عقیده باطلی بوده و ربطی به مذهب اهل بیت علیهم‌السلام ندارد، اما به معنای آن نیست که اگر از حدیثی جبر فهمیدیم، حدیث را تغییر داده و اصلاح نماییم» (عابدی، ۶۹، ۷۱).

بنابراین ممکن است تکمیل نام امامان در نسخه‌های متأخر نیز بر اساس ذهنیت‌های نسخه‌نویسان یا مؤلفان انجام شده باشد. شواهدی که می‌تواند این موضوع را نشان دهد در دو دسته متون روایی و دعایی قابل پیگیری است. یک نمونه روایتی است که از نامه سر به مهر درباره وظایف امامان سخن می‌گوید. در نقل کلینی از این حدیث به نام

دوازده امام اشاره‌ای نیست، اما نعمانی (۵۲-۵۳) می‌گوید امام نام همه ائمه را شمرد: «عَدَدَ عَلَيَّ اثْنَيْ عَشَرَ إِسْمًا» و این افزوده در منابع دیگر وجود ندارد. سند هر دو کتاب یکی است.

نمونه دیگر، حدیث مشهور معراج است که خداوند برای پیامبرش، علی و فاطمه و حسنین علیهم‌السلام را وصف کرد. عبارت‌ها نشان می‌دهد اصل خبر مشتمل بر نام خمه طیه بوده و نام بقیه امامان تکمیل شده‌است. مثلاً در تفسیر فرات کوفی یک‌بار روایت بدون نام ائمه آمده (فرات بن ابراهیم، ۷۳) و بار دیگر عبارت «وَالْأَيُّمَةُ مِنْ وَلَدِهِ» از سوی مصحح افزوده شده‌است. چنانکه شبیه این خبر در مقتضب الأثر یک بار با نام خمه طیه (ابن عیاش، ۱۱) و در روایت دیگر بعد از نام حسنین کلمه ائمه را اضافه دارد (همان، ۲۴). نمونه سوم حدیث خضر است که در برخی منابع نام دوازده امام آمده (کلینی، ۵۲۶/۱؛ نعمانی، ۵۹؛ صدوق، کمال الدین، ۳۱۵/۱) اما منبع متقدم بر آنها فقط نام علی و حسنین علیهم‌السلام را دارد (برقی، ۳۳۳/۲).

موضوع افزودن نام ائمه در دعاها پس از دوران غیبت پذیرفتنی‌تر است؛ زیرا شیعیان از حیرت بیرون آمده و پیشوایان خود را با انقطاع عدد دوازده شناختند. مثلاً از امام کاظم علیه‌السلام ذکر سجده شکر بعد از نماز چنین نقل شده: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنْ... مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَعَلِيًّا وَفُلَانًا وَفُلَانًا إِلَى آخِرِهِمْ أَتَمَّتْ بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ عَدُوِّهِمْ أَتَبَرَّأُ» (کلینی، ۳۲۵/۳). در کتب بعدی به جای این کلمه مبهم، نام کامل امامان آمده است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۳۲۹/۱. طوسی، مصباح، ۲۳۹/۱).

طوسی (تهذیب، ۱۱۰/۳) دعای افتتاح را چنین نقل کرده که پس از صلوات بر پیامبر و علی و فاطمه و حسنین علیهم‌السلام آمده است: «وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ حُبَّكَ عَلَى عِبَادِكَ وَ أَمْنًا فِي بِلَادِكَ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ». اما در اقبال ابن طاووس (۱۴۱/۱) نام تمامی ائمه وجود دارد.

در خصوص دعای سرگرفتن قرآن نیز چند روایت وجود دارد که اصل آن مربوط به عصر امام صادق علیه‌السلام است و نام چهارده معصوم برده شده‌است (طوسی، مصباح، ۲۹۲؛ ابن طاووس، ۳۴۶/۱). اما پیش‌تر اشاره شد و از روایات نصوص ائمه استفاده می‌شود که

سیره ایشان در نام بردن از امامان بعدی نبوده و اغلب یک امام پس از خود را معرفی می کردند. بنابراین اگر دعایی هم به شیعیان آموخته اند مشتمل بر نام پنج تن اهل بیت و حداکثر نام ائمه تا زمان خود ایشان بوده است.

نتیجه

احادیث اثناعشر یا دوازده جانشین برای پیامبر ﷺ مورد اتفاق فریقین است و انگیزه یا دلیلی برای جعل و تحریف در آن متصور نیست. اما در خصوص نام بردن از این جانشینان، روایات بسیاری به امامان اول تا سوم تصریح کرده و دسته ای هم نام چند امام را ذکر می کند و امامی که از وی درباره جانشینش پرسش شده، به نام امام بعدی اشاره می کرده و از ذکر اسامی همه پیشوایان خودداری می کرده است. شمار روایاتی که نام کامل دوازده امام را نقل می کند، زیاد نیست و در برخی از آنها فقط به چند محمد و چند علی اشاره شده است. با توجه به این اخبار و شرایط و شواهد تاریخی بر عدم اطلاع غالب شیعیان از نام کامل ۱۲ امام، روایاتی که بیان کننده نام کامل ائمه است، باید توجیه شوند. بنابراین گزارش های تاریخی که عده ای از شیعیان از نام کامل امامان خود آگاهی نداشتند و گاه در حیرت و سرگردانی می افتادند، معارضی ندارد. روایات نص بر ائمه در منابع حدیثی نیز جزئی از این گزارش هاست که هر امام تأکید داشت پیشوای پس از خود را معرفی کند.

منابع

- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۸.
- ابن ابی الحديد، هبة الله، شرح نهج البلاغه، تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، داراحياء التراث العربی، ۱۳۸۵.
- ابن طاووس، علی، الاقبال بالاعمال الحسنه، تحقيق جواد قیومی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۴.
- ابن عیاش جوهری، احمد بن عبدالعزیز، مقتضب الاثر فی النص علی الاثمة الاثنی عشر، قم، طباطبائی، بی تا.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، المعارف، تحقيق ثروت عكاشه، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۱۹۹۲.
- اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تهران، مركز انتشارات علمی و فرهنگي، ۱۳۶۰ ش.
- الویری، محسن، «نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشری»، دین و ارتباطات، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴.
- امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳.
- امینی، عبدالحسین، الغدير، قم، مركز الغدير، ۱۴۱۶.
- ایزدی، مهدی و حسین شجاعی، «تأثیر انگیزه های نسخه نویسان در اعمال تصرفات عامدانه در متون و آثار روایی»، علوم حدیث، ش ۸، سال ۲۲، پاییز ۱۳۹۶، ص ۱۲۱-۱۴۵.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- برقی، احمد، المحاسن، تصحیح محدث ارموی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۳۰ ش.
- خزاز، علی بن محمد، کتاب الکفایه فی النصوص علی عدد الاثمة الاثنی عشر، تحقيق رضا الرفیعی، قم، مکتبه العلامه المجلسی، ۱۳۹۶ ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم، نشر الثقافه، ۱۳۷۲ ش.
- رسالتی، سعید و عزالدین رضا نژاد، «نقدی بر شبهات فیصل نور درباره نصوص امامت امام هادی (ع)»، پژوهش نامه امامیه، سال اول، ش ۲، پاییز ۱۳۹۴.
- زینلی، غلامحسین، دوازده جانشین، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- سجادی طلب، محمدرضا، «تحلیل انکار نصوص امامت از سوی برخی نزدیکان اهل بیت»، علوم حدیث، ش ۷، سال ۱۷، تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۱۷.
- صدوق، محمد بن علی، التوحید، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸.
- _____، عیون اخبار الرضا (ع)، تهران، جهان، ۱۳۷۸.
- _____، کمال الدین، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۵.
- _____، من لایحضره الفقیه، تحقيق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷.

- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفه الرجال (رجال الکشی)، مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ ش.
- _____، الغیبه، تحقیق عبادلله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف، ۱۴۱۱.
- _____، مصباح المتهجد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعیه، ۱۴۱۱.
- _____، تهذیب الأحکام، تحقیق خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷.
- طیارلسی، ابوداود، مسند، تحقیق محمد حسن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵.
- عابدی، احمد، مکتب کلامی قم (شماره ۴ از مجموعه آثار کنکره حضرت معصومه)، قم، زائر، ۱۳۸۴.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، مأساه الزهراء، بیروت، دارالسیره، ۱۴۱۸.
- عیاشی، محمد، التفسیر، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۲۱.
- فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۰.
- فیصل نور، الامامه و النص، یمن، دارالصدیق، ۱۴۲۵ ق.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تصحیح سید طبیب الموسوی الجزائری، قم، دارالکتب، ۱۳۶۷ ش.
- قندهاری، محمد، «پرونده علمی بشارت به ائمه اثنا عشر»، امامت پژوهی، سال سوم، ش ۱۲، زمستان ۱۳۹۲، ص ۹-۱۶.
- کاظمی، اسدالله التستری، کشف القناع عن وجه حجه الاجماع، قم، آل البيت، بی تا (چاپ سنگی).
- کاظمی، روح الله، «تحریر شیعیان در شناخت امام و نقش تقیه در آن»، مجله امامت پژوهی، سال چهارم، ش ۱۳، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- کراجکی، ابوالفتح، الاستنصار، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵.
- کلبرگ، اتان، «از امامیه تا اثنا عشریه»، ترجمه محسن الویری، دین و ارتباطات، ش ۲، زمستان ۱۳۷۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان و علی بن الحسین مرتضی، الفصول المختاره، تحقیق سید علی میرشریفی، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴.
- مفید، محمد، الارشاد، بیروت، تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶.
- منتظری مقدم، حامد، «رهیافتی نوبه تاریخ پیدایش تشیع اثنا عشری: شکل گیری به هنگام»، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، سال ۱۶، ش ۲، ۱۳۹۸، ص ۸۳-۱۰۲.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، صدوق، ۱۳۹۷.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴.
- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸.
- هروی، نجیب مایل، تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه های خطی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۸۰ ش.
- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، تحقیق زنجانی، قم، الهادی، ۱۴۰۵.